

راهکارهای حل تعارض ظاهری در مبانی جزا (نیت و عمل) با تکیه بر متون دینی

_____ دکتر حامد دژآباد^۱ - محمود عاشوری^۲ - سیده محبوبه کاشفی^۳ _____

چکیده

جزای عمل و عوامل تأثیرگذار بر آن، از جمله مسائل مهمی است که در متون دینی به طرق مختلف یادآور شده است. با بررسی مجموعه آیات و روایات پیرامون موضوع جزای عمل می‌توان رضایت و عمل را دو عنصر تأثیرگذار بر محاسبه جزای عمل فرد دانست؛ بدین معنا که در آموزه‌های اسلامی جزای فرد گاه بر مبنای رضایت و گاه بر مبنای عملکرد فرد ارزش‌گذاری می‌شود. از این رو، خواننده در نگاهی ابتدایی متوهم تعارض در مبحث مذکور می‌گردد. بنابراین، در پژوهش حاضر سعی بر آن است که با روش توصیفی - تحلیلی به ارائه راهکارهایی در جهت رفع تعارض بدوی و غیر مستقر در این مجموعه پردازد و بدین طریق، به فلسفه هم‌سویی جزای عامل و راضی نزدیک شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با شفاف سازی مفهوم رضایت، توجه به کاربرد علوم ادبی، تفکیک حوزه اخلاق از فقه و تمییز اصول دین از فروع، به خوبی می‌توان تعارض را رفع کرد. و بدین ترتیب، هر دو عنصر رضایت و عمل را در محاسبه جزای عمل

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی. h.dejabad@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، پردیس فارابی. mh.ashoori55@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز. mahboobeh.kashfi@yahoo.com

صحیح، مؤثر و هم سو دانست.

کلید واژه‌ها: جزای عمل، رضایت، نیت، اخلاق، عامل، مبانی جزا.

۱. طرح مسئله

دستیابی به درک صحیح از کلام خداوند و معصومان مستلزم گردآوری و بررسی آیات و روایات مرتبط با موضوع مورد نظر است. به بیانی دیگر، تفسیر موضوعی آیات و تشکیل خانواده حدیث در فهم صحیح، دستیابی به وجوه مختلف موضوع، پاسخ به شبهات و رفع تعارض بدوی، بسیار مهم است. یکی از موضوع‌هایی که در آموزه‌های اسلامی بدان توجه شده، جزای عمل و عوامل تأثیرگذار بر آن است. در طی بررسی کلام خداوند و معصومان پیرامون موضوع جزای عمل، به دو عامل تأثیرگذار در شدت و ضعف جزای عمل برمی‌خوریم که عبارت‌اند از نیت و عمل. گروهی از آیات و روایات، جزای عمل را در گرو عمل فرد می‌شناسانند و تعدادی دیگر از آیات و روایات، با تکیه بر نیت و رضایت قلبی فرد نسبت به عملی، جزا را برای فرد راضی تعریف می‌کنند. با نگاهی سطحی بر این مجموعه، برداشت تعارض به ذهن خطور می‌کند؛ زیرا دو عامل متفاوت، جوانحی و جوارحی، تعیین‌کننده جزای فردند.

به نظر نگارنده، عنصر عمل و نقش آن در ارزش‌گذاری جزای عمل جای ابهام و تردیدی ندارد، بلکه امری مسلم و ثابت شده است، اما فرد محقق باید به دنبال کشف و فهم صحیح عامل دیگر، نیت، و چگونگی تأثیر آن در جزای عمل باشد. بنابراین، مجهولاتی در اینجا ذهن محقق را به خود مشغول می‌دارد؛ چگونه تأثیر رضایت و خواست قلبی بدون انجام عمل، موجب پاداش یا عقاب فرد می‌شود؟ از دیدگاه خداوند و معصومان، چه تعریفی از رضایت ارائه شده است؟ آیا ایشان چنین یک‌سان‌انگاری در جزای عامل و راضی را به تمامی امور تعمیم داده‌اند؟ آیا این تعارض بدوی در موضوع جزای عمل میان آیات و روایات مستقر است؟ در این مجال، سعی بر آن بوده است که با تکیه بر اصل حکیمانه بودن سخن خداوند و معصومان به نقاط

مبهم کلام ایشان و ارائه راهکارهایی در جهت حل تعارض بدوی پرداخته شود. تاکنون پژوهش‌های متعددی پیرامون بحث نیت و ارزش آن توسط محققان از جمله ناصر غفاری، محمد حسین برومند، محمود متوسل آرانی، مجتبی مصباح و محمود رجبی نگاشته شده، اما ویژگی مشترک نگاشته‌ها، تبیین تأثیر نیت بر جزای عمل است. افزودنی است که در پژوهش‌های مذکور و مشابه آن تنها به عامل رضایت پرداخته شده و از پرداختن به عامل دیگر، عمل، و بررسی مقایسه‌ای آن غفلت گردیده است. بنابراین، در این نوشتار سعی بر آن است که با گردآوری مجموع آیات قرآنی مرتبط و تشکیل خانواده حدیث، به کشف و بررسی تعارض بدوی میان این دو عامل پرداخته، راهکارهایی در این مورد ارائه شود.

۲. گونه‌شناسی آیات و روایات

با گردآوری و بررسی آیات و روایات پیرامون محاسبه و جزا، با تعارضی از آیات و روایات روبه‌رو می‌شویم. بخشی از آیات و روایات پیرامون این مبحث، بیانگر ملاک بودن عنصر رضایت و نیت در محاسبه و جزاست که در نگاهی سطحی این‌گونه برداشت می‌شود که محاسبه و جزا در گرو قصد و رضایت فرد است، نه عمل. بدین سان، زمانی که فرد قصد انجام کاری را داشته و به دلایلی موفق به انجام آن نبوده است، همچون فرد عامل به وی جزا داده می‌شود و بدین ترتیب، فرقی میان فرد راضی و فرد عامل در جزا نیست. این دسته از منقولات در تقابل با منقولات دال بر تخصیص جزا در عمل هستند؛ زیرا دسته‌ای دیگر از آیات و روایات با تعابیر مختلف در صدد تبیین تخصیص جزا در عمل اند و عمل فرد را ملاک محاسبه و جزا می‌شناسانند.

از این رو، می‌توان مضامین کلام خداوند و معصومان در این باب را به دو دسته کلی به ظاهر متعارض تقسیم کرد: الف) آیات و روایات موافق جزای فرد راضی؛ ب) آیات و روایات تخصیص جزای فرد عامل. از هر دسته، معیاری متفاوت برای محاسبه و جزا

برداشت می‌شود؛ گاه رضایت و گاه عمل. باید توجه داشت که فهم صحیح و عمیق از هر دو دسته از منقولات، می‌تواند نقش بسیار مؤثری را در دفع این تعارض ظاهری ایفا کند. اینک برای هر یک، چند مورد از منقولات گزارش می‌شود.

۱-۲. آیات و روایات تخصیص جزای فرد عامل

دو مورد از آیه و روایت در تخصیص جزا بنا بر عمل فرد در ذیل آورده می‌شود:

• «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيُجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيُجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ» (النجم: ۳۱) «و برای خداست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد».

• قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «كُلُّ امْرِئٍ يَلْقَىٰ مَا عَمِلَ وَيُجْزَىٰ بِمَا صَنَعَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۶۵) «امام علی علیه السلام می‌فرمایند: هر مردی یا آدمی ملاقات می‌کند آنچه را کرده، و جزا داده می‌شود به آنچه ساخته است».

بنا بر آیه و روایت مذکور، جزای فرد در گرو عملکرد وی است و این تطابق جزای عمل با عملکرد فرد، امری عقلانی و منطقی است که به تعدد در قرآن و کلام معصومان تذکر داده شده است.

۲-۲. آیات و روایات موافق جزای فرد راضی

دو مورد از آیه و روایت در موافقت جزا بنا بر رضایت و خواست قلبی در ذیل آورده

می‌شود:

• «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ * ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ * الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا إِلَّا نُوْمِنُ لِرُسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانَ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّبْرِ فَلْتُمْ فَلَمْ

قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (آل عمران: ۱۸۱-۱۸۳) «مسلماً خداوند، سخن کسانی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما توانگریم»، شنید. به زودی آنچه را گفتند، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و خواهیم گفت: «بچشید عذاب سوزان را، این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شماست، [و گرنه] خداوند هرگز نسبت به بندگان [خود] بیدادگر نیست، همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی ای بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند». بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکارا با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می‌گویید، پس چرا آنان را کشتید؟»

• عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُهْلِكَ بَعْدَآيِهِ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ أَمَّا الْبَاقُونَ مِنْ قَوْمِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأُغْرِقُوا لِتَكْذِيبِهِمْ لِنَبِيِّ اللَّهِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَائِرِهِمْ أُغْرِقُوا بِرِضَاهُمْ بِتَكْذِيبِ الْمُكْذِبِينَ وَ مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرِ فَرَضِي بِهِ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ وَ أَتَاهُ. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۹۲) «از عبد السلام بن صالح هروی از حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل است که فرمودند: خدای - عز و جل - چنان نیست که به عذاب خویش هلاک گرداند کسی را که گناهی از برایش نباشد، و اما باقی ماندگان از قوم نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ غرق شدند به جهت آنکه ایشان نوح پیغمبر خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ را به دروغ نسبت دادند و سایر آن‌ها نیز به خاطر رضایت به تکذیب مکذبان غرق شدند و هر که از امری پنهان باشد و به آن راضی شود، چون کسی باشد که آن را حاضر بوده و به جای آورده است.»

در نگاه اجمالی و ابتدایی به این گونه آیات و روایات، به نظر می‌آید که صرف رضایت و خشنودی نسبت به عمل دیگران، موجب مشارکت در ثواب یا عقاب آن عمل خواهد شد.

۳. راهکارهای حل تعارض آیات و روایات در مبانی جزا

به نظر نگارندگان، با در نظر گرفتن موارد ذیل می‌توان به فهم بهتری از مجموعه آیات و روایات مرتبط با مبحث جزای عمل دست یافت و تعارض بدوی و ظاهری را حل کرد.

۳-۱. تبیین دایره مفهومی رضایت مؤثر

به نظر می‌رسد که یکی از راهکارهای رفع تعارض، تأمل و نگاهی ژرف در منقولات دسته نخست است. به نظر نگارندگان، تأکید آیات و روایات بر تأثیر عنصر رضایت در جزا می‌تواند یکی از عوامل ایجاد توهم تعارض باشد؛ بدان جهت که ملاک بودن عمل افراد در جزا، حقیقتی انکارناپذیر، مقبول، منطقی و عقلانی است، اما ملاک بودن رضایت و نیت فرد، پرسش‌انگیز است. بنابراین، می‌بایست با تشکیل خانواده حدیث در این دسته از آیات و روایات، به مفهوم روشن‌تری از رضایت دست یافت و بدین صورت، با شفاف‌سازی مفهوم رضایت تا حدودی از تعارض ظاهری کاسته شود. به نظر می‌رسد که مراد و مفهوم رضایت و تأثیر آن در جزا به دو صورت مطلق و مقید ذکر شده است؛^۱ بدین صورت که بخشی از این منقولات به طور مطلق جزای فرد را در گرو رضایت و نیت وی می‌شناساند و در بخش دیگر، قیود و ویژگی‌هایی برای فرد راضی مطرح می‌شود که با حمل مطلق بر مقید می‌توان به مراد خداوند و معصومان از رضایت دست یافت و در نتیجه، چرایی یک‌سان‌انگاری جزای راضی و عامل را بهتر درک کرد.

۱. منظور از مطلق، دلالت بدون قید بر ماهیت، صفات و احوال چیزی است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲/ ۱۵) گاه در برخی آیات و روایات، خبری به طور مطلق بیان شده و در خبری دیگر، قیدی برای آن مطلق آمده که در این صورت، مطلق بر مقید حمل می‌شود. اما باید توجه داشت که تقييد مطلق زمانی مطرح می‌شود که ظهور مطلق با ظهور مقید تنافی داشته و عمل به هر دو محال باشد؛ در چنین فرضی، مطلق بر مقید حمل می‌گردد. (سبحانی، ۱۳۷۹: ۱۲۷؛ محقق داماد، ۱۳۷۲: ۱۰۴).

در واقع، مقیدها همان شرایط و ویژگی‌هایی هستند که باید بر مطلق حمل شوند. قیده‌های برگرفته از آیات و روایات عبارت‌اند از: عذرتراشی و توجیه کردن، اظهار محبت و عدم برائت از عملکرد عامل، ذکر و یاد عملکرد آن‌ها، تمایل به ابقای عاملان، فراهم سازی مقدمات. اینک به هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

یکی از قیود ذکر شده، توجیه و عذرتراشی برای عمل عاملان است و در واقع، رضایت توأم با این قید موجب یک‌سان‌نگاری جزای راضی و عامل می‌شود. گاه مرتبه رضایت و تمایل انسان نسبت به کاری به حدی است که در صدد توجیه کردن و عذرتراشی عمل فرد عامل برمی‌آید و سعی بر آن دارد که فعل شخص را صحیح جلوه دهد. در همین مورد، کلامی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هر کس برای ستمکاری در ستمی که کرده است، عذر بتراشد (و در صدد دفع سرزنش و ملامت مردمان نسبت به او برآید) خداوند بر او مسلط کند کسی را که به او ستم کند، و اگر دعای کند (که آن ستم را از او دور کند) مستجاب نکند، و در برابر ستمی که به او شده، پاداشی به او ندهد».^۱ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۳۴).

یکی دیگر از قیودی که مفهوم رضایت را تبیین می‌کند، اظهار محبت و عدم برائت از عمل عاملان است. در طی مطالعه آیات مرتبط با مبحث جزای عمل، با آیاتی از جمله ۱۸۳ سوره مبارکه آل عمران مواجه می‌شویم که یهودیان حاضر در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را به خاطر قتل انبیا توسط گذشتگان عتاب و عقاب می‌کند. به عبارتی دیگر، حاضران به خاطر عملکرد گذشتگان بدون لحاظ بُعد زمانی و مکانی، عقاب می‌شوند. اما امام معصوم علیه السلام به خوبی دلیل چنین نسبتی را در روایت ذیل همین آیه تبیین می‌کند: «هنگامی که این آیه نازل شد: «قل قد جاءکم...» [چرا این قتل به آن‌ها نسبت داده

۱. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ: مَنْ عَذَرَ ظَالِمًا بِظُلْمِهِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَنْ يَظْلِمُهُ فَإِنْ دَعَا لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ وَلَمْ يَأْجُزْهُ اللَّهُ عَلَى ظُلْمَتِهِ.

شد] با اینکه خدا می دانست که آن ها گفتند: به خدا سوگند که نه ما آن ها را کشتیم و نه شاهد کشته شدن آن ها بودیم. امام فرمود: به این دلیل بود که به آن ها گفته شد: از قتل انبیا اظهار برائت کنید، ولی آن ها این کار را نکردند». (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴۱۶/۱). افزودنی است که شارح بزرگ **نهج البلاغه**، ابن ابی الحدید، در ذیل حکمت ۱۵۴ **نهج البلاغه** رضایت را بر دو وجه تفسیر می کند؛ اراده (کردن) و عدم اعتراض (کردن). (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۶۲/۱۸). بدین ترتیب، ابن ابی الحدید با تأمل در سخن حضرت، عدم اظهار برائت و اعتراض را جزء مفهوم رضایت می داند.

ذکر و یاد کردن از عمل عاملان، مورد دیگری است که در کلام معصومان به عنوان قید اشاره شده است؛ هرگاه فردی از عمل زشت و ناپسند شخصی دیگر یاد می کند، به طور قطع نسبت به این یادکرد، دیدگاه خاصی دارد که از دو حال خارج نیست؛ بدین صورت که یا به قصد رضایت و تأیید بیان می کند و یا به قصد مذمت از آن یاد می نماید. اما باید توجه داشت که هر نوع یادکردی، موجب اشاعه آن عمل می شود که در قرآن کریم آیه ۱۹ سوره مبارکه نور بدین مهم توجه شده و با وعید عذاب دنیوی و اخروی از اشاعه امور زشت و ناپسند به شدت نهی گردیده است.

در واقع، یاد کردن از عملی، خود به منزله تأیید آن عمل و یا حتی به منزله انجام دادنش می باشد، و این مهم یکی از دلایل جزا بر اساس رضایت و نیت فرد است. چنان که در روایتی از لسان مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که: «مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَتْ كَمُبْتَدِئِهَا». (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۵۶/۲). «هر کس کار زشتی را فاش کند، مانند کسی است که آن را انجام داده است».

یکی دیگر از قیدهایی که با در نظر گرفتن آن، تعارض میان جزای عامل و راضی رفع می شود؛ تمایل فرد راضی به ابقای فرد عامل است. به عبارتی دیگر، خواست فرد راضی بر بقای فرد عامل موجب مشارکت وی در عمل و در نهایت، یک سان انگاری جزای هر دو می شود. چنان که امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام به صفوان جمال فرمود: «ای صفوان! همه چیز تو

خوب است، جزیک چیز. عرض کردم: فدایت شوم، چه چیزی؟ فرمود: کرایه دادن شترها به این مرد، یعنی هارون الرشید، گفتم: به خدا قسم که من از روی بازی و یا برای لهو و شکار و... شترها را به او کرایه ندادم، بلکه برای مکه رفتن به او دادم و خودم هم سرپرستی کاروانش را برعهده نگرفتم، بلکه نوکرانم را با او همراه کردم. فرمود: آیا کرایه ات برعهده آن ها نیست؟ گفتم: بله! جانم به فدایت. فرمود: آیا دوست داری زنده بماند تا اینکه کرایه ات را بپردازد؟ گفتم: بله! فرمود: هر کس بقای آن ها (افراد ستمکار) را دوست داشته باشد، از آن ها خواهد بود و با آن ها وارد آتش خواهد شد.^۱

در روایت فوق، امام علیه السلام صاحب شتر را به جهت کرایه دادن شتر و دریافت مال از آن ها عتاب می کند. قابل توجه است که این مذمت در حالی است که شخص، همکاری مستقیم نداشته و شتران را توسط عمال خود، کرایه داده است. امام با دقت نظر خویش، فرد را متوجه می سازد که هدف غایی، دریافت مال، مشروط به بقای افراد است و بدین ترتیب، رضایت فرد به بقای عاملان، موجب مشارکت در عمل عاملان می شود و این مهم نشان از این دارد که هرگونه دخالت مستقیم و غیر مستقیم در انجام فعل محاسبه خواهد شد؛ گویا که دخالت غیر مستقیم همانند خواست ابقای عاملان، منتهی به جزای یک سان با عاملان می شود.

شایان یادآوری است که اگر چه گاه فرد به طور مشخص و آشکار در انجام فعل

۱. عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام فَقَالَ لِي يَا صَفْوَانُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ حَسَنٌ جَمِيلٌ مَا خَلَا شَيْئاً وَاحِداً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ شَيْءٍ قَالَ إِكْرَاؤُكَ جِمَالَكَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ يَعْنِي هَارُونَ - قُلْتُ وَاللَّهِ مَا أَكْرَيْتُهُ أَشْرَأَ وَلَا بَطْراً وَلَا لَلصَّيْدِ وَلَا لِلْهُوِّ وَ لَكَيْتِي أَكْرَيْتُهُ لِهَذَا الطَّرِيقِ يَعْنِي طَرِيقَ مَكَّةَ - وَلَا أَتَوَّلَاهُ بِنَفْسِي وَ لَكَيْتِي أَنْبَعْتُ مَعَهُ غِلْمَانِي فَقَالَ لِي يَا صَفْوَانُ أَيَقَعُ كِرَاؤُكَ عَلَيْهِمْ قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ فَقَالَ لِي أَنْتَجِبُ بَقَاءَهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ كِرَاؤُكَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَانَ وَرَدَ النَّارِ. (حز عاملی، ۱۳۸۰: ۱۸۲).

دخالت ندارد، اما با فراهم کردن و آماده‌سازی مقدمات انجام فعل، در صدد تحقق آن برمی‌آید و بدین ترتیب، به طور غیر آشکار در انجام آن فعل دخالت داشته است. از جمله این فراهم‌سازی مقدمات می‌توان به هم‌فکری و مشارکت در تصمیم‌گیری بر انجام فعل اشاره کرد. این امر به خوبی در حکایت قرآن از ماجرای پی‌کردن ناقه حضرت صالح علیه السلام دیده می‌شود.

خدائوند متعال در آیات بسیاری از جمله ۷۷ و ۷۸ اعراف، ۶۵ هود، ۱۵۷ و ۱۵۸ شعراء، ۱۴ شمس با به کار بردن افعال به صیغه جمع، بیان می‌دارد که جمعی در قتل ناقه دخالت داشته‌اند. اما باید توجه داشت که فعل به کار رفته در آیه ۲۹ سوره مبارکه قمر در حکایت از این ماجرا، به صیغه مفرد است. در واقع، آیه مذکور در کنار روایات متعدد منقول از معصومان بیانگر این است که قاتل اجرایی تنها یک نفر بوده است، اما به دلیل مشارکت دیگران در تصمیم‌گیری و فراهم‌سازی مقدمات برای قتل ناقه، افعال به صیغه جمع به کار رفته است.^۱ امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه، به صراحت از این حقیقت پرده برمی‌دارد و علت مؤاخذه و تعدیب همه افراد راضی را بیان می‌کند: *أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسُ الرِّضَا وَالشُّحْطُ وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمْ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا*. (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۳۱۹). این مهم، امری است که غالب مفسران فریقین بدان توجه کرده و آن را مورد بحث قرار داده‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۳۶۰/۱؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۰۶/۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۷۹/۲۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۷۹/۳۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۳۶۵؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۱/۲۰۲ و ۲۲/۸۹).

۱. فیقال انهم اتفقوا كلهم على قتلها، قال قتادة بلغني ان الذي قتلها طاف عليهم كلهم انهم راضون بقتلها حتى على النساء في خدورهن وعلى الصبيان، قلت وهذا هو الظاهر لقوله تعالى: «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا» وقال: «فَعَقَرُوا الناقَةَ»، فاسند ذلك على مجموع القبيلة فدل على رضی جميعهم بذلك والله اعلم. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۳۹۶).

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که مراد خداوند و معصومان از رضایت، در نظر گرفتن آن همراه با قیود مذکور است و بدین ترتیب، مبنای رضایت در جزا به خوبی تحلیل می‌شود.

۲-۳. کاربرد ادات تشبیه بیانگر عدم عینیت

یکی از فواید مهم تشکیل خانواده حدیثی و جمع آوری احادیث مرتبط در کنار هم، فهم بهتر کلام معصومان است؛ زیرا آنان با توجه به سطح مخاطب، گاه به اجمال و گاه به تبیین و تفصیل سخن گفتند. بنابراین، با تشکیل خانواده حدیثی می‌توان از کلام خود معصومان برای تبیین و تفسیر دیگر فرموده‌هایشان استفاده کرد و در واقع، مبین‌ها و مفسرها را در دیگر سخنان خداوند و معصومان می‌توان یافت. جمع آوری مجموعه احادیث به هم مرتبط نشان می‌دهد که غرض خداوند و معصومان، برقراری رابطه عینیت میان راضی و عامل نبوده است.

توجه به کاربرد تشبیه در برخی از سخنان، گمان تعارض را رفع کرده، عینیت را از ذهن خواننده دور می‌سازد؛ زیرا غرض از کاربرد تشبیه بدون ادات آن، عینیت بخشیدن به دو چیزی است که غیریت دارند؛ و به بیانی دیگر، حذف ادات تشبیه موجب محسوس‌تر و دقیق‌تر شدن عینیت می‌شود. از این رو، می‌توان گفت که ذکر ادات تشبیه از میزان عینیت بخشیدن در مشبه و مشبه به می‌کاهد و نویسنده یا گوینده با ذکر ادات تشبیه قصد دارد که برداشت عدم عینیت در مشبه و مشبه به را به مخاطب انتقال دهد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۶). در نتیجه، هدف از ذکر ادات تشبیه، افزون بر آگاهی به وجود تشبیه، تأکید بر موضوع و عدم عینیت بین مشبه و مشبه به است. اینک در ذیل، سه مورد از روایاتی را که فرد راضی به عامل تشبیه شده است، آورده می‌شود:

- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَإِثْمُ الرِّضَا بِهِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷)

۹۶).

- قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ شَهِدَ أَمْرًا فَكْرَهُهُ كَانَ كَمَنْ غَابَ عَنْهُ وَ مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرٍ فَرَضِيَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۵۶).
- عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا كَانَ اللَّهُ... ن. ك: (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۹۲).

بنابراین، ذکرادات تشبیه در روایات بالا، نشان از اهمیت و تأکید معصوم بر عدم عینیت راضی و عامل است و بدین طریق، ظن یک‌سان‌انگاری و ظلم در حق راضی را از اذهان رفع کرده‌اند. این نحوه مشاکله و کاربرد تشبیه بدین خاطر است که رضایت فرد راضی مستحق مذمت و نکوهش می‌باشد، اما دلیل بر عذاب یک‌سان همچون عامل نیست. این مسئله‌ای است که فقیهان و مفسران نیز بدان توجه داشته‌اند؛ چنان‌که صاحب تفسیر اطیب البیان در ذیل آیه ۲۵ سبأ، اعمال را به سه قسم بالمباشره، بالتسبیب و بالرضا تقسیم کرده است (طیب، ۱۳۷۸: ۱۰/۵۶۱). و در فقه نیز برای مسئله‌ای مانند قتل میان فرد مباشر، مسبب و معاون، فرق قائل شده و احکام متفاوتی را ارائه کرده‌اند که این تفکیک‌ها نشان از تفاوت در نتیجه آن‌هاست.

بنابراین، با آگاهی از این قاعده نمی‌توان از مجموعه کلام خداوند و معصومان، یک‌سان‌انگاری و عینیت را استنباط کرد و برای تمامی شرایط تعمیم داد. باید توجه داشت که کاربرد علوم ادبی و یا فقدان آن در برخی دیگر از روایات، بیانگر تفاوت در معانی و مضامین آن‌هاست که فرد محقق با در نظر داشتن این قواعد می‌تواند به فهم صحیح دست یابد و میان سخنان خداوند و معصومان جمع کند.

۳-۳. تفکیک حوزه اخلاق از فقه

در نگاه دانشمندان اسلامی، مسائل دین به سه بخش «عقاید، اخلاق و احکام» قابل تقسیم است و به نظر نگارندگان، راهکاری دیگر جهت رفع تعارض بدوی در مبحث مربوط، تفکیک‌سازی دو حوزه اخلاق و فقه از یکدیگر می‌باشد. این امری است

که علمای اخلاق و فقها در تبیین مسائل و شرح احکام لحاظ کرده‌اند؛ به طور مثال، اگر فردی با نیت خصومت شخصی مرتکب قتل شود در حالی که مقتول، مهدور الدم بوده است، از نظر فقهی عقوبت ندارد. (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۱: ۳۴/۱). اما از نظر اخلاقی به جهت نیت و قصد ناپسند، مستحق عقوبت است. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۳۹۵). مثالی دیگر در مورد فرد دروغ‌گویی است که مورد تأیید شخصی دیگر قرار می‌گیرد و فرد تأیید کننده به جهت رضایت قلبی، مستحق مذمت و ملامت قرار می‌گیرد، اما مجازات نمی‌شود.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که الزام فقهی با الزام اخلاقی متفاوت است؛ الزام فقهی حکم شرعی‌ای است که ثواب یا عقاب را به دنبال دارد، اما الزام اخلاقی دغدغه سعادت را می‌نمایاند. (عالم زاده نوری، ۱۳۹۵: ۱۳۰). بنابراین، این دسته از کلام خداوند و معصومان در تعارض با یکدیگر نیستند، بلکه شاید بتوان گفت که جنبه هشدار و تنبیهی برای فرد راضی دارد، زیرا پیامد و اثر رضایت قلبی منجر به تأثیر بر خلق و خوی آدمی شده، می‌تواند به تدریج باعث تغییر در اعمال آدمی نیز بشود؛ این مهم امری است که در قرآن بدان پرداخته شده است: ﴿كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾ (الاسراء: ۸۴). مفسران با استناد به آیه مذکور، عمل انسان را برخاسته از شاکله^۱ دانسته‌اند؛ بدین معنا که هر عملی متناسب اخلاق آدمی است، چنان‌که در فارسی گفته‌اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست». پس شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده، معنویات او را نشان می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳ / ۱۸۹ - ۱۹۰). این مهم در سخن نبی اکرم ﷺ نیز آمده است: نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نَبِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نَبِيَّتِهِ. (کلینی،

۱. الشَّاكِلَةُ: الهيئة الإجمالية ذات خصوصيات ظاهرية، أو الطبيعة الباطنية التي تقتضي تشكلا مخصوصا في الصورة، فإنَّ الشكل الصوريَّ أُنرما في الباطن من الصفات والطباع، فإنَّ الإناء يترشَّح بما فيه، والأعمال الظاهرية ترشَّحات ممَّا في الباطن، ولا يمكن إصلاح العمل من دون إصلاح القلب وتركيبته وتهذيبه. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰۹ / ۶)

۱۴۰۷: ۲ / ۸۴).

یکی دیگر از مواردی که برداشت بعد اخلاق و تربیتی از این گونه آیات و روایات را تقویت می‌کند، آیاتی پیرامون قتل و انکار انبیا و عتاب یهودیان زمان پیامبر ﷺ به جهت عملکرد گذشتگان است.^۱ خداوند متعال در این آیات، برخی از معاصران پیامبر ﷺ را بدون در نظر داشتن بعد زمانی و مکانی و به جهت گناه گذشتگان عتاب می‌کند. با تکیه بر حکمت و عدالت خداوند به نظر می‌رسد که خداوند با عتاب فرد راضی بدون ارتکاب، قصد توجه دادن معاصران به عاقبت بد گذشتگان و دوری از تداوم مسلک آن‌ها را دارد که این تداوم مسلک می‌تواند اعم از تأیید کردن، اظهار محبت و عدم برائت از آن‌ها باشد؛ زیرا تأیید کردن، یکی از حلقه‌هایی است که راضی را به سوی انجام فعل نزدیک می‌کند و خداوند متعال با چنین آگاه‌سازی تربیتی، فرد راضی را از تبدیل شدن به عامل و عاقبت آن باز می‌دارد.

بدین سان، توجه دادن فرد راضی به عاقبت رضایت و نیت خویش، موجب می‌شود که انسان همچنان مراقب نیت‌های قلبی و موضع‌گیری‌های خود نسبت به اعمال و رفتارهای دیگران بوده، در تربیت خود، کوشا باشد. بنابراین، با برداشت هشدار و تربیتی از مضامین سخنان خداوند و معصومان، می‌توان تعارض بدوی را رفع و کلام ایشان را قابل جمع دانست.

۳-۴. تمییز اصول و فروع از یکدیگر

با تأمل در آیات و روایات مرتبط با موضوع جزای عمل، می‌توان دریافت که جزاهای فرد راضی یک سان نمی‌باشد، بلکه از شدت و ضعف برخوردار است. اوصاف و شرایط متنوع ذکر شده در روایات، نشانگر توجه امام به شرایط گوناگون پرسشگر و وضع جزای

۱. آل عمران: ۱۸۱-۱۸۳؛ البقره: ۴۹-۶۱.

مناسب با نیت و عمل است. در طی بررسی مضامین این مجموعه، می‌توان گفت که عامل تأثیرگذار در شدت و ضعف جزا، اهمیت آن امری است که فرد بدان رضایت دارد. به بیان روشن‌تر، رضایت قلبی نسبت به حوزه اصول دین و عقاید به مراتب با اهمیت‌تر بوده، جزایی شدیدتر از رضایت قلبی نسبت به محدوده فروع دین دارد.

در واقع، با بررسی مجموعه آیات و روایات موافق جزای فرد راضی می‌توان دریافت که در کلام خداوند و معصومان نسبت به رضایت‌های مرتبط با حوزه اصول دین اعم از نبوت و عدل، موضعی شدید در نظر گرفته شده است؛ که با توجه به اهمیت اصول و میزان اثرگذاری آن بر فروع می‌توان علت موافقت جزا بر اساس رضایت را دریافت و متعارض با آیات و روایات تخصیص جزا در عمل نپنداشت. در واقع، اهمیت اصول دین موجب شده است که نسبت به جزای فرد در مرحله رضایت سخت‌گیری شود و بدین ترتیب، قصد مرتبط با اصول دین نسبت به قصد مرتبط با فروع دین از اهمیت بیشتر و جزای شدیدتری برخوردار باشد.

مقصود از اصول، باورهای حقه‌ای است که معیار و ملاک عمل افراد می‌باشد و در صورت فراهم بودن امکانات، محرکه‌ای قوی برای اقدام به عمل شمرده می‌شود. بدین ترتیب، تأثیر اصول دین بر فروع دین و عملکرد فرد، غیر قابل اغماض است. در برخی از آیات الهی و سخنان معصومان، نمونه‌هایی از نیت‌های افراد آورده شده است که به خوبی می‌توان اهمیت و تأثیر اصول دین را از آن برداشت کرد و نتیجه گرفت، که اینک در ذیل به چند مورد از آن‌ها پرداخته می‌شود:

خداوند متعال در گزارش عملکرد قوم حضرت صالح علیه السلام، جمعی را به عنوان قاتلان ناقه معرفی می‌کند و این در حالی است که به استناد روایات و آیه ۲۹ قمر، عامل اجرایی تنها یک نفر بوده است. در واقع، رضایت دیگر افراد به این عمل، موجب مشارکت در عمل و جزای آن گردید. به عبارت دیگر، رضایت به قتل ناقه همان نیت و تمایل به انکار معجزه نبی، یعنی انکار نبوت به عنوان یکی از اصول دین است.

بنابراین، از آنجا که چنین عملکردی برخاسته از انکار اصل دین است، تمامی افراد راضی به این عمل در عمل مذکور و جزای آن شریک‌اند که این، نشان از اهمیت و ضرورت اصل دین دارد.

نمونه‌ای دیگر، روایت امام صادق علیه السلام در زیارتنامه اربعین است که افراد راضی به قتل حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام را نیز همچون قاتلان لعن می‌کند.^۱ (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۱۳/۶؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲/۵۸۹). دلیل مشارکت افراد راضی در جزا همان مشارکت در انکار اصل دین یعنی امامت است؛ چنان‌که امام معصوم دخالت مستقیم و غیر مستقیم در قتل وصی خدا را یک‌سان پنداشته است.

مؤیدی دیگر بر راهکار مذکور، آیات ۱۸۱-۱۸۳ سوره مبارکه آل عمران است که قتل انبیای گذشتگان را به معاصران عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد. در واقع، نیت مشترک در قتل انبیا و انکار نبوت، دلیل جزای مشترک عامل و راضی است و این امر سبب گردید که در تبیین جزای مشترک، بُعد مکانی و زمانی لحاظ نگردد.

همچنین در حدیث ذیل، امام علی علیه السلام، افرادی را که به دلایلی قادر به شرکت در جنگ جمل نبودند، اما رضایت و تمایل قلبی به شرکت در جنگ و پیروزی بردشمن داشتند، جزء جنگجویان برمی‌شمرد: قَالَ علیه السلام لَمَّا أَظْفَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِأَصْحَابِ الْجَمَلِ وَ قَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فُلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا لِيَرَى مَا نَصَرَكُ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ فَقَالَ علیه السلام أَهْوَى أَحْيِكَ مَعَنَا قَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا قَوْمٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ سَيَرَعُفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ. (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۵۵). همان‌طور که از حدیث برداشت می‌شود، رضایت قلبی به جهاد در راه خدا بدون حضور فیزیکی، موجب جزای مشترک با عامل و جنگجو

۱. عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ: ... فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ ...

می‌گردد.

با توجه به موردهای مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که نقش اصول دین و اهمیت باورهای فرد آن چنان حائز اهمیت است که رضایت و تمایل به هرامر مرتبط با اصول دین موجب مشارکت در جزای عمل عامل می‌شود و با فرد راضی همچون عامل برخورد می‌گردد.

نتیجه‌گیری

آیات و روایات مرتبط با مبحث جزای عمل، از جمله موضوع‌هایی است که تعارض بدوی در آن آشکار است و دو عنصر نیت و عمل به طور مجزا بر جزای عمل فرد به عنوان عوامل تأثیرگذار معرفی شده‌اند. در این نوشتار، با بررسی مضامین کلام خداوند و معصومان در این حوزه می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعارض مستقردر میان این دو عامل نیست. اینک در ذیل، به راهکارهایی در جهت حل تعارض اشاره می‌شود:

۱. منظور خداوند و معصومان از رضایت در آیات و روایات، رضایتی است که همراه با نشانه‌ها و قیودی از جمله تأیید کردن، اظهار محبت و عدم برائت، توجیه و عذرتراشی، یاد کردن از عمل دیگران و فراهم‌سازی مقدمات انجام فعل باشد که به عبارتی می‌توان از آن به رضایت مؤثر یاد کرد.

۲. توجه به اغراض ذکرات تشبیه نشان می‌دهد که عینیت و یک‌سان‌انگاری در تمامی موارد میان عامل و راضی وجود ندارد.

۳. عامل تأثیرگذار در شدت و ضعف جزا، اهمیت آن امری است که فرد بدان رضایت دارد. در واقع، رضایت قلبی نسبت به حوزه اصول دین و عقاید به مراتب با اهمیت‌تر بوده، جزایی شدیدتر از رضایت قلبی نسبت به محدوده فروع دین دارد.

۴. با جداسازی دو حوزه اخلاق و فقه از یکدیگر می‌توان دریافت که برخی از جزاها از جهت اخلاقی جنبه مذمت و نکوهش دارند و مراد از آن عذاب الهی نیست و در واقع، بیان خداوند و معصومان از جهت نهی فقهی نبوده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمه)، دار الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، دار الكتب العلمية، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹.
۷. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۵.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، دهقان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۱۰. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰.
۱۱. سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، محقق فواز احمد علی زمرلی، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۱.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، فرهنگ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴.
۱۴. شفیع کدکنی، محمد رضا، صور خیال در شعر فارسی، آگاه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵.
۱۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۲۱.

۱۷. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۹. _____، *تهذیب الأحکام*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۲۰. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، اسلام، تهران، ۱۳۷۸.
۲۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵.
۲۲. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
۲۳. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۲۶. محقق داماد، سید مصطفی، *مباحثی از اصول فقه*، اندیشه‌های نودر علوم اسلامی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۲.
۲۷. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۲۸. مهدوی کنی، محمد رضا، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، سروش، تهران، ۱۳۸۷.
۲۹. عالم زاده نوری، محمد، «مناسبات فقه و اخلاق»، *مجله قبسات*، ش ۲۱، ۱۳۹۵.